

عنوان مقاله:

تحلیل انتقادی نظریه بداء بر پایه باور به هیولی

محل انتشار:

دوفصلنامه آموزه های فلسفه اسلامی، دوره 11، شماره 22 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

محمد مهدی منتصری - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

احد فرامرز قراملکی - استاد دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

بداء یکی از مهم ترین آموزه های اعتقادی اسلام و از اختصاصات مذهب شیعه است. به رغم آنکه ده ها اثر در مورد بداء نگاشته شده، توضیح نحوه وقوع آن با رویکرد مبتنی بر جهان شناسی فلسفی نخستین بار توسط میرداماد آغاز گشته است و صدرالمتالهین و حکیم سبزواری این راه را ادامه داده اند. اما با بررسی آرای این سه فیلسوف مشخص می شود که تبیین های ایشان نه تنها خالی از خلل نیست، بلکه برخی از اشکالات دیدگاه های ایشان علاوه بر استدلال، ریشه در جهان بینی آنان دارد. برای تبیین بداء ابتدا باید لوح محو و اثبات تبیین گردد. لوح محو و اثبات از مراتب علم الهی، و مجرد است؛ پس باید به نحوی تبیین شود که هم مجرد و هم قابل تغییر باشد. اما بر اساس باور به هیولی - که یکی از ارکان مهم جهان بینی بسیاری از فلاسفه مسلمان است تغییر و تحول، منحصر در مادیات بوده و در مجردات به هیچ وجه امکان ندارد. این امر در کنار ابطال نظریه هییت بطلمیوسی موجب می شود که مجالی برای لوح محو و اثبات در جهان بینی این سه فیلسوف باقی نماند. این اشکال نه تنها به این سه فیلسوف، بلکه معطوف به جهان بینی مبتنی بر هیولی است که در فلسفه اسلامی رایج می باشد. این نوشتار با تحلیل انتقادی تبیین های این سه فیلسوف به عنوان سه نمونه برجسته از فلاسفه مسلمان - تبیین صحیح بداء در فلسفه اسلامی را در گرو کنار گذاشتن باور به هیولی دانسته است.

کلمات کلیدی:

بداء، هیولی، میرداماد، صدرالمتالهین، حکیم سبزواری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/821406>

